

موانع اشتغال پایدار و راهکارها

محمدتقی ضیائی بیگدلی*

بحث اشتغال و پیچیدگیهای آن در جهان پرشتاب امروز توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، دولت مردان و کارشناسان را به خود جلب نموده است. بدیهی است ترکیب جمعیت جوان کشور و سیل متقاضیان کار، ضرورت پرداختن بیشتر به این مسئله را از ابعاد مختلف ایجاب می‌نماید. واقعیت این است که با توجه به ضرورت تحول در اقتصاد سنتی و کلاسیک جامعه، طرحهای مقطعی و راهکارهای صنعتی، در ایجاد اشتغال و تولید، مؤثر و کارساز نیست. به بیان دیگر در شرایط امروز جامعه که به شدت از عوامل بیرونی و جهانی متأثر است، برای کاهش عارضه بیکاری، بایستی ضمن ریشه‌یابی مسئله، فرصتهای شغلی جدیدی را تعریف و به جامعه معرفی کرد.

در این مقاله سعی شده است که ضمن اشاره به دلایل مشکل بیکاری، موانع زیرساختی

* دکتر محمدتقی ضیائی بیگدلی؛ رئیس پژوهشکده امور اقتصادی.

و فرایندی نیز، مورد بحث و تحلیل قرار گیرد و در پایان، باتوجه بیشتر به بخشهای مختلف اقتصادی با پتانسیل بالا و همچنین نظام آموزشی و توسعه کارآفرین، راهکارهایی جهت خروج از این بحران ارائه گردد.

کلید واژه‌ها:

ایران، اشتغال، رشد اقتصادی، فرصتهای شغلی، بیکاری، نیروی انسانی، رشد جمعیت

مبحث اشتغال و پیچیدگیهای آن در جامعه امروز ایران، توجه بسیاری از دولتمردان، کارشناسان و حتی سیاستمداران را به خود جلب کرده است. زیرا نگاهی به جمعیت‌شناسی جامعه ایران نشان می‌دهد که این کشور صاحب جوانترین جمعیت جهان با میانگین سنی ۲۲-۲۱ سال است. در عین حال با اینکه در سالهای اخیر از نرخ رشد جمعیت کشور کاسته شده و از ۲/۸ درصد، به حدود یک درصد رسیده است، اما تا سال ۱۳۸۳ همچنان به تعداد هیجده ساله‌های جامعه اضافه می‌شود و پس از آن هم هنوز قدر مطلق بالا خواهد ماند. البته این پدیده زائیده سیاستهای غلط سالهای گذشته می‌باشد که شعار «هر آن کس که دندان دهد نان دهد»، پدیده افزایش جمعیت را توجیه می‌کرد.

پیش‌بینی تعداد جمعیت هیجده ساله کشور در سال ۱۳۸۰ به بعد

بر حسب جنسیت (هزار نفر)

سال	جمع	مرد	زن
۱۳۸۰	۱۷۶۲	۸۹۸	۸۶۴
۱۳۸۱	۱۸۸۶	۹۶۱	۹۲۵
۱۳۸۲	۱۸۷۸	۹۵۶	۹۲۲
۱۳۸۳	۱۸۷۹	۹۵۵	۹۲۴
۱۳۸۴	۱۷۶۵	۸۹۲	۸۷۳
۱۳۸۵	۱۷۴۳	۸۹۰	۸۵۳

منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۹، ص ۴۷

پرواضح است که با توجه به میزان افزایش تعداد جوانان هیجده سال به بالا، سالانه باید بیش از ۱،۷۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد شود و این در حالیست که به دلایل مختلف نرخ رسمی بیکاری در کشور ۱۴/۷ اعلام می‌شود. البته به نظر نگارنده نرخ

بیکاری بسیار بیشتر از رقم مذکور است. زیرا از نظر مسئولان، بیکار به شخصی اطلاق می‌شود که به اداره کار مراجعه و شناسنامه کار تهیه کرده‌باشد. حال آنکه خیل عظیم جمعیت روستایی به ادارات کار دسترسی ندارند. حتی در شهرها هم فرهنگ مراجعه به ادارات کار و کارجویی آنچنان رایج نیست. بنابراین با در نظر گرفتن مسائل فوق می‌توان به طور تقریبی، به نرخ بیکاری حدود ۲۰ درصد اشاره نمود.

به‌عنوان مثال؛ بنابر گزارشی که از جانب یکی از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد تهیه شده‌است، عرضه نیروی کار استان در سال ۱۳۸۳ معادل ۱۵۵ هزار نفر برآورد شده‌است که در صورت ایجاد فرصت‌های شغلی برای آن در بهترین شرایط، در مقایسه با دهه قبل، نرخ بیکاری استان در سال ۸۳ معادل ۲۲/۲۶ درصد خواهد بود. این در حالیست که در برنامه سوم توسعه، نرخ بیکاری برای پایان سال ۸۳، ۱۰/۲ درصد پیش‌بینی شده‌است. با این همه، برای تحقق این نرخ در استان، باید طی سالهای ۷۸-۸۳، به‌طور متوسط سالانه ۶/۶ هزار شغل ایجاد می‌شود که خود به تنهایی، معادل ۹ درصد کل متوسط سالانه فرصت‌های شغلی کشور در طول برنامه سوم توسعه است.^۱

طبق تحقیق یکی از نشریات تخصصی، کاهش سن اعتیاد و فحشا در ایران، با بیکاری رابطه مستقیم دارد، بنابراین صرف‌نظر از تبعات و تأثیرات مخرب پدیده بیکاری گسترده در مسائل اقتصادی و اجتماعی، باید به ابعاد سیاسی این پدیده نیز توجه نمود. یعنی وجود این معضل گسترده اجتماعی نه‌تنها زمینه برخورد و زورآزمایی جناحی را پیرامون خود پدید آورده، بلکه در عین حال وجود لشگر ده میلیونی بیکار، می‌تواند اقتدار ملی ایران را با توجه به ویژگی‌های امروز در سیاست بین‌المللی و مشکلات داخلی، مورد تهدید قرار دهد. لذا ناگفته پیداست که مسئله اشتغال، مهمترین چالش پیش روی دولت، در دهه ۱۳۸۰ خواهد بود.

۱. مهران بوسفی، «پیش‌بینی جمعیت و بررسی وضعیت اشتغال استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۸۵ و طول سالهای ۸۶ تا ۹۰»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد.

در حال حاضر، شاغلانی که کار آنها نمونه شغل‌های موقتی، ضعیف و کم عمق در بازار کار است، خانواده‌هایشان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بازار کار هم مانند هر بازار دیگر تابع قوانین اولیه خود است، بنابراین نمی‌توان با صدور بخشنامه و اجرای دستورالعمل‌های دولتی، اشتغال سالم، مولد و پایدار ایجاد کرد. در عین حال، نه تنها نمی‌توان همه مشکلات را از ناحیه بافت جمعیتی خاص کشور، ملاحظه نمود، بلکه باید آن را یک مزیت و پتانسیل قوی نیز قلمداد کرد، همان‌گونه که کشور عربستان سعودی با نرخ رشد جمعیتی معادل ۴ درصد، چنان تقاضای بزرگی در بازار کار دارد که مقابله با آن، نیازمند نیروی کار خارجی است؛ ایجاد اشتغال با طرح‌های مقطعی و راهکارهای سنتی، مؤثر و کارساز نیست و چه بسا که اگر، طرح‌های مقطعی اشتغال‌زایی منجر به اشتغال پایدار نشود، آثار منفی آن می‌تواند بیشتر از آثار مثبتش باشد.

آیا برخورد کلاسیک و سنتی می‌تواند چاره اشتغال باشد؟ و یا باید دولت با آموزش و ایجاد بستر مناسب، زمینه کار آفرینی را در سطح جامعه فراهم آورد؟ به‌عنوان نمونه، دولت سنگاپور در فاصله سالهای با صرف هزینه‌های معادل ۱۲ میلیارد دلار برای افراد بیکار، کامپیوتر خریداری نمود و به آنها آموزش داد، سپس آنها را تشویق کرد تا برای خودشان کار ایجاد کنند. در عین حال رانت ایجاد شده از طرح‌های ایجاد اشتغال، به خاطر داشتن بودجه‌های کلان، سبب ایجاد رقابت میان آن دسته از نهادهای دولتی و غیردولتی گردیده، که تا قبل از اختصاص ردیف بودجه به اینگونه طرح‌ها، خود را از بحث اشتغال کنار می‌کشیدند.^۱

بیان این مقدمات را می‌توان زمینه‌ای تلقی کرد تا با توجه به آن به موانعی که در مقابل ایجاد اشتغال پایدار قرار دارند پرداخته شود. این موانع را می‌توان در دو گروه زیرساختی و فرایندی، تقسیم و بررسی کرد. موانع زیرساختی به عواملی اطلاق می‌گردد که در جهت آماده‌سازی و ایجاد فضای مناسب، به منظور پیشبرد برنامه‌های

اشتغال‌زا، ایجاد مشکل می‌کند و به‌کندی و عدم موفقیت آن منجر می‌شود. موانع دسته دوم یا شاخصهای فرایندی، در برنامه‌ها و سیاستهای اشتغال‌زایی به‌عواملی اشاره دارند که به موفقیت، یا عدم موفقیت ایجاد اشتغال مؤثر و پایدار مربوط می‌شوند.

موانع زیر ساختی

۱. توسعه پایدار

اشتغال پایدار را می‌توان، یکی از ثمرات مهم توسعه پایدار به‌شمار آورد. تعاریف و تفاسیر گوناگونی برای توسعه پایدار نقل شده‌است. مثلاً توسعه را می‌توان برابر با «افزایش سریع تولید ملی» یا بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک جامعه» در نظر گرفت. بنابراین عدم افزایش بهینه در استفاده از منابع مادی و انسانی و یا فقدان منابع در شرایط فقدان و یا کمبود منابع مادی و نیروی انسانی، می‌تواند به‌عنوان مانعی اساسی در جهت انباشت سرمایه، حرکت به سمت تولید بیشتر، بهینه‌سازی این منابع و آموزش نیروی انسانی به حساب آید؛ اما کشورهایی که دارای این منابع هستند و حتی بیش از حد مورد نیاز در اختیار دارند، باید ریشه‌چنین وضعیتی را در جایی دیگر جستجو کنند. ما در حالی توسعه‌نیافتگی را ریشه‌بیکاری می‌دانیم که با جمعیتی، حدود یک درصد جمعیت جهان، دارای هفت درصد کل منابع دنیا هستیم، ولی با توجه به مقدار سرانه تولید ناخالص داخلی در کشور، جزء کشورهای با درآمد پایین^۱ طبقه‌بندی می‌شویم.^۲ موارد زیر را می‌توان از مهمترین عوامل دخیل در توسعه و اشتغال پایدار ناشی از آن دانست:

فضای کسب و کار: ایجاد فضای کسب و کار عمومی در بخشهای مختلف

صنعت، تجارت و خدمات، شرایط را برای تحقق توسعه پایدار در کشور فراهم می‌آورد. پرواضح است که اگر اشتغالی را بدون ایجاد زیرساختهای فضای کسب و کار به‌وجود

1. Low Income

۱ «سیاستهای اشتغال دولت در بوته نقد بخش اول»، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، شماره ۱۲۶.

آوریم، به یقین موقتی و گذراست. در سازمان مدیریت صنعتی، با همکاری شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، تحقیقی در خصوص بازدارندگی سرمایه‌گذاری و تولید تدوین گردید که، در آن به هفت شاخص، نظیر قانون کار، قوانین مالیاتی، قوانین بانکها و مسائل بازار سرمایه اشاره رفته‌است، در این تحقیق، همچنین به عواملی مانند مسائل فرهنگی و دیدگاههای سیاسی در خصوص سرمایه و سرمایه‌گذار، اطمینان به جو سیاسی، رقابتی بودن و انحصارگرایی و موانع داخلی و زیر ساختی صنعت نیز، به‌عنوان عوامل اصلی فرار سرمایه و تولید و اشتغال اشاره شده‌است. در مجموع در این مطالعه، ۱۲۸ فاکتور در نظر گرفته شده و بر این اساس ایران از نظر فضای کسب و کار، دارای بازدارنده‌ترین و سنگاپور، دارای پیش‌برنده‌ترین فضای کسب و کار بوده‌است.^۱

شاخص قوانین: یکی از بازدارنده‌ترین عوامل در زمینه اشتغال، قانون کار

موجود است که موجب نگرانی صاحبان صنایع گردیده و خود نیز، زمینه استخدام افراد کمتری را در صناعی که به نیروی کار نیاز دارند، فراهم می‌آورد. این نگرانی تا جایی پیش رفته‌است که قیمت‌گذاری سهام صنایع در بازار بورس، تابعی از تعداد نیروی انسانی آنها گردیده، و قوانین و مقررات کار که در کشور، با هدف حمایت از درآمد‌ها و مشاغل طراحی شده‌است، در عمل به تقلیل فرصتهای شغلی در بخشهای مولد، به ویژه در بخش صنعت منجر شده‌است. تجربه موفق استفاده حداقل از مقررات کار در اقتصادهای شرق آسیا، به ویژه در کره جنوبی، نشان می‌دهد که به حداقل رساندن مقررات، مانع از رشد سریع اشتغال و مزد کارگران نشده‌است. طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۹۶ رشد سالانه مزد و اشتغال در صنایع کارخانه‌ای کره، از هشت درصد که سریعترین رشد در جهان است، پایینتر نیامده‌است. از طرف دیگر قانون مالیاتها در کشور مادر صدر مشکلات ناشی از قوانین خودنمایی می‌کنند. این قانون به دلیل عدم انطباق با شرایط امروز در سطح داخلی و بین‌المللی، از دیگر موانعی است که امید می‌رود با اصلاحاتی که در این خصوص انجام گرفته، زمینه برای حذف موانع ناشی از

اخذ مالیاتهای نامعقول، مساعد گردد.

امنیت سرمایه: «سرمایه به سان آهویی است که به کوچکترین صدایی احساس ناامنی کرده و فرار می‌کند». مسائل فرهنگی و دیدگاههای سیاسی در خصوص سرمایه و سرمایه‌گذار، یکی از عوامل عمده ایجاد جو مساعد و یا عدم امنیت سرمایه در کشور است. بدون وجود سرمایه و مشارکت بخش خصوصی، ایجاد بیش از ۱/۷ میلیون شغل در سال به تنهایی توسط دولت امری محال به نظر می‌رسد. در چنین وضعیتی، چگونه می‌توان خواستار سرمایه بخش خصوصی بود؛ ولی از پذیرش سرمایه‌دار امتناع کرد. وجود نزدیک به چهل هزار شرکت ایرانی در دبی، نشانه عدم امنیت سرمایه‌گذاری در ایران است.^۱ به نظر می‌رسد سرمایه در فضای فرهنگی و سیاسی کشور ما از مشروعیت، امنیت و احترام برخوردارست؛ اما، مجموعه قوانین و مقررات، به جای یاری رساندن به سرمایه، آن را زمین‌گیر می‌سازد.

سیستم بانکی و بازار سرمایه - قوانین اعتباری و اسنادی: اختصاص منابع

سیستم بانکی به خدمات و توزیع، به جای صنعت و سیاستهای انقباضی بانکها، مشکل نقدینگی را به یکی از بحرانهای پیش روی صنعت تبدیل کرده‌است. در عین حال براساس یک محاسبه از هر دلار که برای صنعت گشایش اعتبار می‌شود بر پایه هر دلار ۳۰۰۰ ریال بالغ بر ۸۹۰ ریال عوارض گوناگون اخذ می‌شود. در این شرایط چگونه می‌توان از صنعت و اشتغال حمایت کرد؟ در حالی که در کشور مالزی ۱۵ تا ۲۰ درصد سرمایه اولیه را صاحب صنعت تأمین می‌کند و بقیه منابع را بانک می‌پردازد.

میزان دولتی بودن امور - درجه آزادی اقتصاد: در مورد تصدی‌گریهای

بی‌حد و حصر دولتی سخنی زیاد گفته شده است. در اینجا به همین اکتفا می‌شود که ابن خلدون متفکر و جامعه‌شناس اسلامی ۷۰۰ سال قبل گفته است «اگر دولت تجارت کند، هم دولت ضعیف می‌شود هم مردم. اگر دولت کمک کند مردم تجارت کنند هم دولت قوی می‌شود هم مردم ثروتمند.» توسعه پایدار بدست نخواهد آمد مگر

با آزادسازی اقتصاد و در این مورد همین بس که به نقل از گزارش مؤسسه هریتج (www.heritage.org) درجه آزادی اقتصادی ایران در مقایسه با ۱۵۶ کشور در رده ۱۴۶ قرار داشت!

۲. بهره‌وری

عدم وجود عزم ملی در جهت اصلاح ساختارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی، رشد شاخص بهره‌وری کشور را در سطح پائینی نگاه داشته‌است. به گزارش سازمان بهره‌وری آسیایی^۱ بهره‌وری در ایران بین سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۵، ۶/۵ درصد بوده‌است. در حالی که همین رشد برای کشور چین، به ۶۵ درصد بالغ می‌گردید!

۳. جهت‌گیریهای استراتژیک، جهت ورود به بازار جهانی

بدون شک یکی از مهمترین عواملی که در خصوص پایداری اشتغال مطرح است، بررسی میزان پایداری اشتغال در تقابل با جهانی شدن است. آیا اشتغالی که امروز با صرف هزینه‌های سنگین ایجاد می‌شود، پس از ورود به سازمان تجارت جهانی پایدار خواهد ماند؟ به عبارتی سمت و سوی کلان نظام و میزان همخوانی آن در جهت‌گیریهای استراتژیک متناسب با جهانی شدن، معیاری برای سنجش این شاخص است. در ذیل به چند مورد از این استراتژی‌ها اشاره می‌کنم.

- عدم کارایی استراتژی‌های خطی توسعه؛

- استراتژی مبتنی بر بازار؛

- استراتژی مبتنی بر نوآوری؛

- کارآفرینی؛

- توسعه اطلاعات و نهادینه کردن مدیریت دانایی؛

- قبول رقابت‌پذیری به‌عنوان مفهوم محوری؛

- جهت‌دهی یارانه‌ها به سمت گسترش اقتصاد شبکه‌ای؛
- گسترش آزادی اقتصاد داخلی؛
- گسترش تعامل با اقتصاد جهانی؛
- گسترش انعطاف‌پذیری در ساختارهای تولیدی.

موانع فرایندی

شاخصهای فرایندی به عوامل دخیل و موانع ایجاد شده در استراتژی‌ها، سیاستها و هدف‌گیریهای دولت، خصوصاً در زمینه اشتغال اشاره دارند و می‌توان آنها را به این شرح برشمرد.

۱. آموزش نیروی کار

باتوجه به ذکر این موضوع، که ۷۰ درصد بیکاران، فاقد مهارت‌ها و اعتماد به نفس لازم برای کار هستند، باید آموزش نیروی کار چه در سطح نیروهای کارگری و چه در سطح متخصصان و دانش‌آموختگان، در صدر فعالیتهای و سیاستهای آموزشی دولت قرار گیرد. اصلاح نظام آموزشی در جهت تربیت نیروهای مناسب صنعت، نظام کارآموزی، استادی و شاگردی و تسهیل روابط دانشگاه و صنعت می‌توانند از اهم این سیاستها باشند. به‌عنوان مثال؛ در کشورهای اروپایی، یکی از شرایط تأسیس دفتر وکالت، قبول چهار کارآموز است، مشروط به اینکه ۵۰ درصد حقوق آنها توسط دولت، و بقیه نیز توسط مؤسس تأمین گردد.

۲. واگرایی سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام

تعریف کلاسیک فعالیت عقلایی از منظر علمای اقتصاد «فعالیتی است که هیچ زیر فعالیتی، فعالیت دیگری را خنثی نکرده و بر ضد آن نباشد، بنابراین این نوع فعالیت می‌تواند، بهترین و کوتاهترین مسیر در جهت رسیدن به هدف باشد.»

متأسفانه سیاستهای واگرا، عجولانه و غیر کارشناسانه دولت، بدون توجه به اثرات آن در امر اشتغال، عملاً تأثیرات همان سیاستهای مقطعی اشتغال را نیز خنثی کند. دلیل این امر را می‌توان در دیدگاههای جزیره‌ای هر یک از نهادهای دولتی جستجو کرد؛ که هر کدام به نحوی بر اشتغال تأثیر می‌گذارند. در ادامه به جهت اهمیت این موارد، برای نمونه برخی از این سیاستها بیان می‌گردد:

خصوصی سازی: البته خصوصی سازی، معنای تعدیل نیروی انسانی را در خود مستتر دارد؛ ولی با سیاستهای جبرانی مانند پرداخت بیمه بیکاری، بازنشستگی پیش از موعد و برنامه‌های آموزش مجدد می‌توان به پیش‌بینی و تأمین نیروهای تعدیل شده پرداخت. لذا برخورد تک بعدی با فرایند خصوصی سازی، کاهش سطح اشتغال را به همراه دارد.

سیاستهای ارزی - قاچاق کالا: در بیست سال گذشته، بسیاری از کسب و کارها با نرخ ارزی ارزان شکل گرفتند. با آزادسازی نرخ ارز، دیگر سوبسید ارزی به کسی داده نمی‌شود؛ ولی قوانین و ساز و کارهایی که با ارز ارزان قیمت هماهنگ بوده‌است. تغییری نکرده و بنابراین همان سطح اشتغال که از ارز ارزان ناشی می‌شد هم، از بین رفته‌است. از طرف دیگر با بالا رفتن نرخ ارز قیمت تمام شده کالای داخلی بالا رفته و قاچاق محصولات خارجی، توجیه اقتصادی پیدا کرده‌است. رقم قاچاق کالا در کشور، سالانه حدود ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار است. به عنوان مثال؛ هر سال بالغ بر ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تلویزیون قاچاق وارد کشور می‌شود و همین موضوع سبب می‌گردد تا کارخانه‌هایی مانند پارس الکتریک با نصف ظرفیت کار کنند. دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی ما توان آن را دارند که حرکت‌های سیاسی افرادی که ممکن است برای نظام ما خطرناک باشند، را کنترل و خنثی سازند؛ اما متأسفانه هنوز در رابطه با مسائل اقتصادی این حساسیت به وجود نیامده‌است. لذا قاچاق کالا هم به نوبه خود تیشه به ریشه تولید، سرمایه‌گذاری و در نهایت ایجاد اشتغال مولد می‌زند.

هدفگیری صنایع کاربر: در کشور ما، به دلیل فقدان یک سیاست صنعتی

بلندمدت و مؤثر، علی‌رغم عرضه بسیار بالای نیروی کار غیر ماهر، اهم سرمایه‌گذاریهای انجام شده طی دوره برنامه اول توسعه اقتصادی ۷۶-۷۲، در صنایع سرمایه بر صورت گرفته است، به تریبی که نسبت اشتغال به سرمایه ایجاد شده بسیار کم بوده و عموماً، تقاضای چندانی را برای نیروی کار غیر ماهر ایجاد نمی‌کند.^۱

بخش مسکن: در حالیکه از کل نیروی کار شاغل در کشور، ۱۴ درصد به صورت مستقیم و ۴۰ درصد به صورت غیرمستقیم، به فعالیتهای بخش مسکن ارتباط دارند، رکود بخش مسکن، که بطور عمده ناشی از سیاست عدم فروش تراکم در تهران می‌باشد، ضربه دیگری بر پیکره اشتغال وارد آورده است.

بخش حمل و نقل: طبق آمار اعلام شده بطور رسمی، تعداد ۸۰۰ هزار موتورسیکلت در تهران تردد می‌کند که با تحقیقی که در این زمینه انجام گرفته است حدود ۲۵۰ هزار نفر به صورت مستقیم در قالب پیک و نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر به صورت غیرمستقیم، با استفاده از این وسیله نقلیه امرار معاش می‌کنند. طبق اعلام سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر تهران، به زودی از تردد موتورسواران به داخل محدوده طرح ترافیک جلوگیری خواهد شد. این مسئله هم نمونه دیگری از پرداختن به معضلات به روش تک بعدی و بدون در نظر گرفتن سایر تبعات حل یک مشکل است.^۲

با یک حساب سرانگشتی مشاهده می‌شود که کاهش سطح اشتغال ناشی از موارد پنج‌گانه فوق، چندین برابر اشتغال ایجاد شده توسط طرح ضربتی اشتغال با هزینه‌ای معادل ۹۰۰۰ میلیارد ریال و با هدف ایجاد ۳۰۰،۰۰۰ شغل در کشور است.

۱. این امر دلایل مختلفی دارد که از اهم آنها می‌توان به بی‌نیاتی نرخ ارز و صنعت باز، وجود موانع اجتماعی و قانونی، از جمله قانون موجود کار اشاره کرد که کارفرما را مجبور می‌سازد هر چه کمتر به سمت صنایع کاربر حرکت کند.

۲. ارقام مربوط به تعداد شاغلین در حمل و نقل موتوری در تهران، با تعمیم میانگین تعداد مذکور از یک منطقه در تهران، به سایر مناطق به‌دست آمده و به نقل از منبع رسمی نمی‌باشد.

در حالی که ایجاد یک شغل با ثبات و درازمدت، به سرمایه‌گذاری بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان احتیاج دارد و نباید با سیاستهای یک جانبه، سطح اشتغال جامعه را کاهش داد. بنابراین لزوم تصمیم‌گیری عقلایی و سیاستهای همگرا در تمامی تصمیمات نظام، با رویکرد ایجاد اشتغال، حیاتی به نظر می‌رسد.

۳. توجه به نقاط قوت

بدون شک تأکید بر نقاط قوت و منابعی که ایجاد اشتغال را در کشور تسهیل می‌کند، می‌تواند چاره‌گشای مشکل بیکاری باشد. توجه به صنعت IT و نقش آن در اشتغال، توجه به صنعت گردشگری و نقش آن در اشتغال، جایگزین کردن نیروهای بومی به جای نیروهای خارجی، جذب سرمایه خارجی، صنایع دریایی و کشتی‌سازی، طرحهای جنگل‌کاری و کشاورزی، از جمله این منابع و نقاط قوت به شمار می‌روند. در اینجا لازم می‌دانم به سخنرانی رابرت مک نامارا - رئیس کل سابق بانک جهانی در مکزیکوسیتی - اشاره کنم. وی گفته است که نرخ رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه بالاست. حال اگر سه عامل ثبات سیاسی، آموزش و بهداشت مؤثر که رابطه ارگانیک با یکدیگر دارند، در جامعه ایجاد شود، سبب می‌گردد که نیروی کار، مطیع و رضایتمند باشد در نتیجه بهره‌وری نیروی کار افزایش پیدا کرده و هزینه تولید و سرمایه‌گذاری پایین می‌آید. وقتی که نرخ سرمایه‌گذاری ارزان باشد، جذب سرمایه را به همراه می‌آورد.

تا آنجا که مشاهده می‌شود، بزرگترین سرمایه‌گذاری دنیا، با رقم ۴۸ میلیارد دلار در چین اتفاق افتاد و به تبع آن، اشتغال عظیمی را برای مردم این کشور به همراه آورد. به عبارت دیگر چشم‌انداز اشتغال در ایران، بستگی تام به تصمیمات و عملکرد نهادهای اقتصادی، اجتماعی و قانونی کشور و همچنین تغییر در قوانین و اجرای آن، در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیتهای کارآفرینی دارد.

راهکارهایی برای خروج از بحران بیکاری

توجه به بخشهای اقتصادی با پتانسیل بالا، جهت ایجاد اشتغال

پرداختن و تمرکز روی بخشهایی از اقتصاد که توان ایجاد سطح بالایی از اشتغال را دارد، اصلی ترین کلید حل معمای اشتغال در ایران است. عنایت به صنعت مسکن و پروژه‌های عمرانی، صنعت فناوری اطلاعات، صنعت خودرو، صنعت جهانگردی و گردشگری، توسعه پیمانکاری عمومی و بخش انرژی، از اهم این زمینه‌هاست.^۱

● در حال حاضر در کشور ما، به ازای هر ۱۷ نفر یک خودرو داریم، در حالیکه این نسبت در اروپا برابر با ۲/۵ نفر است. این بازار بزرگ خودرو، پتانسیل بسیار مناسبی جهت فعالیت اقتصادی در این بخش، فراهم می‌آورد. از طرفی به ازای هر شغل که در صنعت تولید خودرو و قطعاتش وجود دارد، می‌توان هفت شغل در کنار آن ایجاد کرد و چنین بازار مصرفی می‌تواند آن را فعالتر کند.

● کشور ما از نظر اکوتوریسم و جاذبه‌های تاریخی و طبیعی، یکی از غنی ترین کشورهای دنیاست. سیزده نوع آب و هوای مختلف در دنیا شناسایی شده که نه نوع آن در کشورمان قابل مشاهده است. می‌توان با ارائه تسهیلات به این بخش، زمینه ایجاد اشتغال وسیعی را در این قسمت فراهم کرد.

● با بهره‌گیری از نیروی کار جوان در کشورمان، می‌توان اشتغال بالایی را در زمینه IT یا حتی ارزآوری و صادرات بالا در این صنعت ایجاد نمود. با دیدگاه سختگیرانه می‌توان صادرات نرم‌افزار هندوستان را، رقمی معادل ۸ میلیارد دلار در نظر گرفت. از طرفی آمار نشان می‌دهد که تعداد افراد بیکار تحصیلکرده در کشور، یک و نیم برابر افراد بیکار غیر تحصیلکرده است. این خود نشان از استعداد بالای جامعه بیکار کشورمان دارد.

● در یک برآورد کلی، حدود ۲۰ میلیارد دلار طرح پیمانکاری، فقط در

بخشهای نفت، پتروشیمی، گاز و نیرو وجود دارد. اتمام پروژه‌ها و طرحهای نیمه تمام نیز یکی دیگر از این میدانها است؛ حتی اگر بخشی از این پیمانها، توسط پیمانکاران ایرانی گرفته شود، سطح بالایی از اشتغال را به وجود خواهد آورد. براساس یک مطالعه در فعالیتهای پیمانکاری، در مقابل هر ۲۰ هزار دلار، می‌توان یک شغل ایجاد کرد. بنابراین مقابل هر میلیارد دلار کار، حدود ۵۰ هزار فرصت شغلی ایجاد خواهد شد، ضمن اینکه موجبات توسعه صنعتی کشور نیز فراهم می‌آید. برای نمونه در فاز یک پارس جنوبی، بیش از پنج هزار شغل ایجاد شده است. لذا توجه به مقوله پیمانکاری عمومی یا GCها، یکی از بخشهای مورد توجه در ایجاد اشتغال است.

نظام آموزشی و توسعه کارآفرینی

متأسفانه نظام آموزشی کشورمان، بدون توجه به مهارتها و تواناییهای لازم جهت کارآفرینی تنظیم گردیده و تطابق مواد آموزشی چه پیش از دانشگاه تا تحصیلات تکمیلی انطباقی با نیازهای صنعتی و کسب و کار ندارد. لذا بهبود و توسعه نظام آموزشی در جهت تربیت نیروهای مناسب با نیازهای کار، یکی از جنبه‌های مهم در جهت حل مشکل اشتغال است. در حال حاضر؛ حدود پنج هزار استاد ایرانی در دانشگاههای آمریکا به‌طور تمام‌وقت و نیمه‌وقت تدریس می‌کنند. حال اگر بخشی از این استادان، اقدام به آموزش خیل ۱/۵ میلیونی داوطلبان کنکور دانشگاهها نمایند، قطعاً گام بسیار مؤثری در جهت بالا بردن درجه تطابق نیروی کار و مشخصات آن در جامعه، برداشته خواهد شد.^۱

از دیگر راهکارها جهت حل مشکل بیکاری، رفع موانع زیرساختی و فرایندی است. مبارزه با قاچاق کالا، توسعه اقتصادی و اجتماعی، همگرایی سیاستهای نهادهای دولتی، کوچک کردن بدنه دولت و حذف تصدی‌گریهای اقتصادی دولت، بهبود فضای کسب و کار، اصلاح قوانین و سیستم بانکی و تأمین امنیت سرمایه، از اهم

این موارد است.

نتیجه گیری

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که اشتغال حلقه آخر تولید است. یعنی اگر سرمایه گذاری و تولید انجام نگیرد، اشتغال ایجاد نمی شود. از طرف دیگر، بحث توسعه صنعتی و اشتغال مجموعه ای یکپارچه است، نه پدیده ای خطی! لازمه آن فعالیت و حذف موانع در جبهه های مختلف به صورت موازی است و هرگز حرکت های جزیره ای را طلب نمی کند.

کتابنامه:

۱. میزگرد تخصصی تحت عنوان «سیاستهای اشتغال دولت در بوته نقد بخش اول». ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، شماره ۱۲۶.
۲. میزگرد تخصصی تحت عنوان «سیاستهای اشتغال دولت در بوته نقد بخش دوم». ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، شماره ۱۲۷.
۳. سرمقاله «اشتغال و توسعه صنعتی»، ماهنامه علمی آموزشی تدبیر، شماره ۱۱۸.
۴. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش فناوری اطلاعات در اشتغال (تهران: ۲۹ و ۳۰ بهمن ۱۳۸۰).
۵. ایزدخواه، روح‌اله. «وضعیت قانون کار و اشتغال صنعتی در ایران».
<http://techstudies.org/ipolicy/81/8123/S8123330.htm>
۶. «خصوصی سازی و بهره‌وری و اشتغال»
<http://www.payam.co.ir/journal/farsi>
۷. طالع، هوشنگ. شعبده‌بازانی که با پول یک جفت کفش شغل ایجاد می‌کنند، تهران: پارس پژواک، تیرماه ۱۳۸۱.
۸. یوسفی، مهرا. گزارش «پیش‌بینی جمعیت و بررسی وضعیت اشتغال استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۸۵ و در طول سالهای برنامه سوم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویر احمد».
<http://www.irtp.com/farsi/events/kohgiloyeh/paper/a09.htm/>